روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۱۹ آبان ۱۳۹۷ • ۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ • ۱۰ نوامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۸۷ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۰ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۰ • طلوع آفتاب ۶:۳۶

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

مانیفست بابای سوفیا اعلام شد

پوریا عالمی

• سوفیا عاشق زندگی‌اش است و خود را مدیون بابای سوفیا می‌داند که او را مستقل و توانمند بار آورده، چون؛

بابای سوفیا با همسایه‌ها آبش توی یک جوب نمی‌رود، برای همین آبش را نمی‌ریزد توی جوب.

بابای سوفیا با اداره برق مشکل دارد چون می‌گوید پول یامفت می‌گیرد. برای همین پول برق نداده و برقش قطع است و شمع روشن می‌کند.

بابای سوفیا با اداره تلفن هم مشکل دارد چون می‌گوید شنودش می‌کنند. برای همین تلفن را قطع کرده و با دود سفید ارتباط برقرار می‌کند.

بابای سوفیا با اداره آب هم مشکل دارد و جای آب لوله‌کشی، آب باران را توی تشت جمع می‌کند.

بابای سوفیا معتقد است همه می‌خواهند هیکل او را ببینند و از ریزه‌کاری‌هایش باخبر شوند. برای همین پنجره‌های خانه را ابتدا جرز گرفته، بعد پرده زده است.

بابای سوفیا می‌گوید اطلاعات سوفیا را توی اینترنت می‌دزدند و علیه سوفیا و بابای سوفیا مصرف می‌کنند برای همین اینترنت را بسته و اطلاعات سوفیا را با رضایت کامل خودش از او استخراج می‌کند و برای سوفیا استفاده می‌کند. سوفیا معتقد است بابای سوفیا اطلاعات او را داشته باشد، بهتر از این است که مریخی‌ها او را تحت نظر داشته باشند.

بابای سوفیا معتقد است جامعه نانمن است و هرگونه رفت‌وآمد سوفیا را ممنوع کرده است. برای همین بابای سوفیا قدر مردم دنیا سوفیا را دوست دارد تا او از مردم دنیا بی‌نیاز باشد.

بابای سوفیا به بقالی محل مشکوک است، برای همین در بالکن سیب‌زمینی می‌کارد، در حمام گاو نگه می‌دارد و شیرش را می‌دوشد و با بی‌نیازی از بقالی محل، در محله اعلام بی‌نیازی کرده است.

بابای سوفیا چون نمی‌خواهد زحمت‌ها روی دوش سوفیا باشد، شخصا پذیرفته مسئولیت اداره امور سوفیا و منزل را تا آخر دنیا به عهده بگیرد.

بابای سوفیا معتقد است استخوان پا وقتی می‌شکند سفت‌تر می‌شود لذا با مورد عنایت قراردادن بنیان خانواده، بنیان خانواده را تحکیم می‌کند.

بابای سوفیا صلاح سوفیا را می‌خواهد و اجازه نمی‌دهد سوفیا با من حالت ازدواج داشته باشد. من هم هر وقت به سوفیا می‌گویم: سوفیا! عشقم! پس من چی؟ چرا من نداری؟

سوفیا می‌گوید: به‌جای تو امنیت دارم.

کارتون خواب

واسکو کارگالو

مدیر منطقه‌ای یونیسف نسبت به قحطی در یمن هشدار داد

گزارش فردا

مردم جهان، در برابر تحریم با ما هم‌صدا شوید

این بار نیز هنرمندان و چهره‌های شناخته‌شده در عرصه فعالیت‌های مدنی سعی کردند با بیانیه‌ها، هشتگ‌ها و کمپین‌هایی توجه مردم جهان را به تحریم ناعادلانه علیه ایران جلب کنند. تحریمی که برخلاف آنچه از طرف سیاست‌مداران آمریکا مطرح می‌شود، «مردم ایران» را هدف قرار داده است. در این پویش که چهره‌های شناخته‌شده آن را امضا کرده‌اند، چنین آمده است: «دولت‌ها به زبان سیاست با هم سخن می‌گویند؛ ملت‌ها اما، با زبان صداقت. زبانی از جنس فرهنگ، صلح و دوستی. به همین خاطر تاریخ فرهنگ و هنر جهان، صادق‌ترین راوی رنج‌ها و شادی‌های ملت‌هاست. ما اهالی فرهنگ و کنشگران مدنی ایران برآنیم با کلامی ورای زبان ناکارآمد سیاست با شما مردم جهان سخن بگوییم». در ادامه چنین نوشته شده است: «بار دیگر تحریم‌های دولت آمریکا علیه ایران آغاز شد؛ اما خام‌اندیشانه است بپنداریم که نتیجه اعمال این تحریم‌ها دستیابی به حقوق شهروندی و حقوق بشر، بهره‌مندی از مواهب آزادی و بهبود شرایط زندگی برای ملت ایران است. ملت ایران، تنها تاوان این تحریم‌ها را خواهد داد. سیاست‌گذاران دیر یا زود می‌روند، اما فجایع حاصل از عملکرد غلط آنها جهانی را می‌سازد که ما و شما و فرزندان‌مان در طول تاریخ پیش‌رو، دست‌به‌گریبان کابوس آن خواهیم بود. هم‌صدایی ما و شما در هر گوشه از جهان و توجه‌دادن به نتایج فاجعه‌بار شرایط تحمیل‌شده بر ملت ایران، می‌تواند سیاست‌گذاران و سیاست‌های غیرانسانی‌شان را متوقف کند». آنها درخواست کرده‌اند «با ما هم‌صدا شوید».

هدف تحریم این است که به دنیا اعلام کند اهداف تحریم‌های آمریکا مردم ایران هستند، طراحان این کمپین از همه مردم ایران می‌خواهند که به این پویش بپیوندند تا رسانه‌های جهان را متوجه این موضوع کنند. آنان سعی کرده‌اند امضای پویش را با هشتگ «#againstscantions» و هشتگ ایرانی «#هم‌صدایی_دربرابر_تحریم» را تشویق کنند. این پویش اکنون در حال امضاشدن است و در کمتر از ۲۴ ساعت حدود پنج هزار نفر آن را امضا کرده‌اند. نخستین امضاکنندگان رخشان بنی‌اعتماد (فیلم‌ساز)، اصغر فرهادی (فیلم‌ساز)، بهمن فرمان‌آرا (فیلم‌ساز)، کیانوش عیاری (فیلم‌ساز)، حسین علیزاده (موسیقی‌دان)، کیهان کلهر (موسیقی‌دان)، مجتبا میرتهماسب (فیلم‌ساز)، لیلی گلستان (نویسنده و مترجم)، پری صابری (نویسنده و کارگردان تئاتر)، فریده غیرت (وکیل)، بهمن کشاورز (وکیل)، سیف‌الله صمدیان (عکاس، فیلم‌ساز)، خسرو سینایی (فیلم‌ساز)، فرح اصولی (نقاش)، داوود موسایی (ناشر)، لیلی ارشد (فعال مدنی)، شمس‌لنگرودی (شاعر)، فرهاد توحیدی (فیلم‌نامه‌نویس)، نغمه ثمینی (فیلم‌نامه‌نویس)، فیروزه صابر (فعال مدنی)، سهراب مهدوی (مترجم)، مژگان جمشیدی (روزنامه‌نگار)، مینا اکبری (روزنامه‌نگار)، علی بوستان (موسیقی‌دان)، صبا علیزاده (موسیقی‌دان)، پوریا عالمی (نویسنده و روزنامه‌نگار)، مریم زندی (عکاس)، ابراهیم حقیقی (طراح گرافیک)، امیر اثباتی (طراح)، سمیرا علیخان‌زاده (نقاش) و مرضیه وفامهر (بازیگر) هستند. همچنین هشتگ #SanctionsTargetMe برای بیان اینکه تحریم‌ها مردم ایران را هدف قرار داده‌اند در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود. رضا کیانیان، مهتاب کرامتی، سحر دولتشاهی، باران کوثری، لیلی رشیدی، امیر جدیدی، امیرمهدی ژوله، سارا بهرامی، عبدالرضا کاهانی، حبیب رضایی، الهام کردا، ستاره اسکندری و... به این پویش پیوسته‌اند.

چهره‌ها سعی کرده‌اند در شبکه‌های اجتماعی نظرها را جلب کنند. مثلا هومن سیدی گزارش گاردین درباره کودکان و نداشتن دارو را بازنشر کرده است، رخشان بنی‌اعتماد این سؤال را مطرح کرده است که «جواب این طفل معصومان را چه کسی می‌دهد؟»، حبیب رضایی نوشته است: «تحریم بانکی فقط یک خبر در خبرگزاری‌ها نیست. تحریم بانکی یعنی مرگ کودکان دچار سرطان ایران به خاطر ممنوع‌شدن فروش دارو».

هیئت‌تحریریه گاردین درباره تحریم‌ها معتقد است: «آمریکا به دنبال استفاده ابزاری از تحریم و فشار بر مردم ایران است تا از بیرون تغییر حکومت را مهندسی کند - اروپا باید در مخالفت با این سیاست بایستد». البته در مقابل براندازها هم سعی کرده‌اند با هشتگ #تحریم_سینما وارد میدان شوند.

دیدگاه

تحریم‌ها مردم را هدف قرار داده است

لیلی گلستان

از من دعوت شد به این کمپین بپیوندم و من با کمال میل قبول کردم. چون معتقد هستم که مردم دنیا باید به وضعیت ما آگاه شوند. از سویی می‌گویند ما دارو را تحریم نکرده‌ایم اما از سویی دیگر بانک‌ها را تحریم می‌کنند! پس چطور و از کدام راه دارو بخریم و پولش را پرداخت کنیم؟ پس عملا نمی‌شود هیچ کاری کرد. کارخانه‌ها مواد اولیه‌شان وارداتی است و همه در آستانه تعطیلی‌اند. مقدار فراوانی از مواد غذایی‌مان وارداتی است و با کمبود روبه‌رو شده‌ایم پس نتیجه‌اش گرانی طاقت‌فرساست.

و هزاران معضل دیگر.

و اگر من این نامه سرگشاده را امضا کرده‌ام فقط برای این است که ملت‌های دیگر از وضع ما آگاه شوند و بدانند که سیاست‌بازها چه فجایعی دارند انجام می‌دهند و قربانی این بگیروببندهای فجیع فقط ملت‌ها هستند و بس.

یادبود

یکی بود، یکی نبود

دیروز جمعه و در دومین سالروز درگذشت توران میرهادی دوستدارانش در امامزاده عبدالله به یادش گردهم آمدند. توران میرهادی جزء نام‌های شناخته‌شده عرصه کودکان و آموزش‌وپرورش جدید است که در آستانه ۹۰سالگی در ۱۸ آبان ۱۳۹۵ بر اثر سکته مغزی در بیمارستان درگذشت. او بیش از ۶۰ سال در گستره آموزش‌وپرورش، فرهنگ کودکی و ادبیات کودکان کوشید. شورای کتاب کودک که او از بنیان‌گذارانش بود، نیز روز جمعه ۲۵ آبان از ساعت ۱۶ در تالار قلم کتابخانه ملی مراسمی برگزار می‌کند؛ اما یاد و نام میرهادی در سینمای مستند نیز ماندگار شده است. دو فیلم توران خانم و یکی بود یکی نبود درباره او و بخشی از فعالیت‌هایش ساخته شده است.«یکی بود، یکی نبود»مستندی با کارگردانی غلامرضا کتال است که تصویربرداری این مستند ۷۸ دقیقه‌ای در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ انجام شده است. این مستند در مجموعه مستندهایی درباره چهره‌های فرهنگی و هنری در سینماهای «هنر و تجربه» از دوم آبان به نمایش درآمده است. رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتهماسب نیز چندی پیش مستند «توران خانم» را اکران کرده بودند. چندی پیش بنی‌اعتماد اعلام کرد که با همکاری فرهاد توحیدی، فیلم‌نامه‌نویس، در حال نوشتن فیلم‌نامه زندگی «توران میرهادی» است. از نظر بنی‌اعتماد: «شخصیت‌هایی مانند توران میرهادی یک الگوی الهام‌بخش برای همه ما به‌ویژه جوانان است و متأسفانه این فرصت برای جوانان به‌راحتی فراهم نمی‌شود که با شخصیت‌هایی مانند ایشان از نزدیک آشنا شوند. خانم میرهادی یک شخصیت استثنائی در تاریخ و فرهنگ ایران است. او یکی از معماران نهاد کودکی در ایران است. شخصیت خانم میرهادی شخصیت چندصدوجهی است. او هر آنچه را که می‌گفت، به آن اعتقاد داشت و این موضوع در رفتار ایشان جلوه‌گر بود. صحبت‌هایش برای شعار و موعظه نبود؛ بلکه به آن عمل می‌کردند. توران خانم ذهنش را آلوده به هیچ چیز منفی نمی‌کرد. به نقدها گوش می‌داد و اگر صحبتی که مطرح می‌شد، نقد نبود، به گوینده آن می‌گفت «ذهنت را با این زباله‌ها پر نکن».

چندی پیش در سالگرد بزرگداشت میرهادی، محمدعلی نجفی که در آن زمان شهردار تهران بود، حضور داشت؛ همچنین با اشاره به محل سکونت او گفت: «حیف است منزل ایشان به یکی از ساختمان‌های بلندمرتبه خیابان نیاوران تبدیل شود و اگرچه هنوز درباره نحوه استفاده عمومی آن به نتیجه‌ای مشخص نرسیده‌ایم؛ ولی تصمیم داریم از فرزندان ایشان بخواهیم این بنا را در اختیار ما بگذارند تا آن را برای یکی از کارهای مرتبط دیگر آماده کنیم. از آثار خانم میرهادی به‌ویژه فرهنگنامه برای استفاده در کتابخانه‌های آموزش‌وپرورش و وابسته به شهرداری باید اقدام شود و برای ادامه کار فرهنگنامه نیز در صورت نیاز همراهی می‌کنیم...».البته به نظر نمی‌رسد با این تغییر و تحولات امکان اجرائی‌شدن این نکته‌ها ممکن باشد. خانواده‌اش به‌تازگی کانالی در شبکه‌های اجتماعی فراهم کرده‌اند تا اندیشه‌ها و آثار او را بیان کنند.

تجربه دیگران

چه کسی دروغ می‌گوید؟

• ماجرای مجادله خبرنگار سی‌ان‌ان، جیم آکوستا، با دونالد ترامپ در نشست خبری بعد از اعلام نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای سنا و کنگره هنوز ادامه دارد. در جریان این نشست خبری آکوستا، ترامپ را به‌دلیل مهاجم‌خواندن مهاجران کشورهای گوناگونی که در راه آمدن به آمریکا هستند، مورد سؤال قرار داد...؛ دونالد ترامپ با دشمن‌خواندن خبرنگار سعی کرد که سؤال را جواب ندهد. هنگامی که خبرنگار بر سؤالش اصرار کرد، کارآموز کاخ سفید قصد داشت بلندگو را از او بگیرد که جیم آکوستا مخالفت کرد. ترامپ نیز با قدم‌زدن و دورشدن از بلندگو سبب شد که خبرنگار دیگر به حرف‌هایش ادامه ندهد. اما عصبانیت ترامپ ادامه داشت و او را بی‌ادب و باعث شرم سی‌ان‌ان دانست. خبرنگار بعدی در ابتدای سؤال خود از همکارش دفاع کرد، اما کمی بعد کاخ سفید مجوز حضور جیم آکوستا را لغو کرد و دلیلش را اهانت به کارآموز کاخ سفید دانست. اما در توییتر و در شبکه‌های مختلف، واکنش به این ماجرا ادامه دارد. به گزارش شفقنا، مارگارت سالیوان، ستون‌نویس واشنگتن‌پست، گفت: «سی‌ان‌ان باید براساس متمم قانون اساسی آمریکا از کاخ سفید شکایت کند، چون مانع دسترسی جیم آکوستا به اطلاعات شده است». اما مرحله بعدی ماجرای ویدئویی است که از این اتفاق در شبکه‌های خبری منتشر شده است. ساراسندرز، سخنگوی کاخ سفید، ویدئوی سی‌ان‌ان

را دستکاری‌شده می‌داند و عده‌ای علیه سی‌ان‌ان واکنش نشان داده‌اند و معتقدند همین رفتارها سبب شده است تا کمتر کسی به این رسانه اعتماد داشته باشد. از سوی دیگر سی‌ان‌ان، نیویورکر و... نیز با جزئیات ویدئو را بار دیگر منتشر کرده‌اند تا نشان دهند، اتفاقی که افتاده نه تنها عمدی نبوده، بلکه در آن شرایط واکنشی طبیعی بوده است. حالا باید منتظر ماند و دید که رسانه‌ها و خبرنگاران چه واکنشی نسبت به این اتفاق خواهند داشت؟ آیا همه‌چیز به روال خود برمی‌گردد و سی‌ان‌ان خبرنگاری دیگر را راهی کاخ سفید می‌کند یا واکنش‌ها به رفتارهای عجیب ترامپ ادامه پیدا می‌کند.

آکادمی

استانداردکردن «ویزیت» پیش از تعیین تعرفه

محمدعلی آرامی

متخصص مغز و اعصاب

همکار گرامی، جناب دکتر زمانی، در یادداشتی بار دیگر بر اهمیت ویزیت در خدمات سلامت انگشت گذاشته و نبود تعرفه مناسب را یکی از دلایل اصلی و بنیادین دشواری‌های بخش سلامت شمرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که این کاستی به دیگر بخش‌ها نیز گسترش می‌یابد. این هم درست است که تعیین تعرفه واقعی و متناسب ویزیت سنگ‌بنای ساختمان شایسته بهداشت و درمان کشور خواهد بود. تعیین دستمزد خدمت امری دشوار در همه عرصه‌هاست. کف دستمزد کارگر همان آجر بنای بخش تولید اقتصاد است. کف دستمزد کارمند نیز می‌تواند به عنوان مبنای ارزش‌گذاری کارهای خدماتی به‌شمار آید. بدون شک تعیین این ارقام امری پیچیده است و در اقتصادهای مبتنی‌بر بازار آزاد، سوسیالیستی یا یارانه‌ای با سازوکارهای گوناگونی انجام می‌گیرد.

اما اینها فقط وجوه آشکار روند ارزش‌گذاری کار و به‌ویژه کارهای خدماتی است. قیمت‌گذاری کارهای بخش تولید باتوجه به قیمت تمام‌شده کالا و مبالغ مشخص مواد اولیه، سرمایه و قیمت کالا در بازار روشن‌تر است. البته ارزش‌گذاری کار خدماتی نیز در نهایت از روندی مشابه پیروی خواهد کرد، ولی دست‌کم پیچیده‌تر خواهد بود.

حلقه مفقوده اصلی در بخش تعرفه‌گذاری همه خدمات و از جمله خدمات پزشکی و در این گفتار ویزیت پزشک، تعیین‌نکردن کف استانداردهای خدمت و در اینجا «ویزیت استاندارد» است. هرچند که تلاش‌هایی در این زمینه انجام شده است، ولی حاصل آنها، مانند بسیاری از تلاش‌های فکری و کارهای نظری ما، جز نقش‌بستن بر کاغذ و رفتن به بایگانی نبوده است؛ کاری که می‌توان آن را «برای خالی‌نبودن عریضه» نام نهاد و در شرایط لازم از بایگانی بیرون کشید و ادعای داشتن قانون کرد و برائت مسئولان را ثابت کرد. «استانداردسازی و تعریف استانداردهای خدمات و کالا» به عنوان شاخصی اساسی در ارزش‌گذاری خدمات و نیز پدیده‌ای اساسی در جوامع مدرن و توسعه‌یافته است. مفهومی مفقود یا به‌بایگانی‌سپرده، مانند جوامع توسعه‌نیافته نیست. برای یک سیب و گوجه‌فرنگی تا یک اتومبیل پیشرفته باید ویژگی‌های استاندارد تعریف شود. اما این فقط اول ماجراست؛ زیرا بدون نظارت دقیق و پیوسته، این استانداردها راهی جز رفتن به بایگانی نخواهند داشت. نظارت فقط بر عهده حاکمیت و مسئولان قانونی نیست؛ بلکه امری است که مشارکت فعال شهروندان را نیز می‌طلبد. بی‌تردید این مشارکت نیازمند شهروندانی آگاه خواهد بود. دولت‌های توسعه‌یافته علاوه‌بر نظارت بر اجرای استانداردها و ممانعت از ارائه هر کالا و خدمت غیراستاندارد، برای فعال‌کردن مشارکت مردم نیز تلاش‌های آموزشی بسیاری را از طریق رسانه‌ها انجام می‌دهند. نگارنده از تاریخچه و تلاش‌های سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آگاه است و از دشواری‌های فراوان پیش‌روی این نهادها آگاهی دارد. اما تنها راه‌حل این دشواری‌ها آموزش و آگاه‌سازی شهروندان است ولاغیر. «دانستن حق مردم است» یک شعار لوکس و تشریفاتی و تبلیغاتی نیست؛ نیازی مبرم و بنیادی و وظیفه‌ای همگانی است. هرچند دانستن مردم، به مذاق سودجویان و متخلفان خوش نمی‌آید. اگر استانداردهای ویزیت برای همگان روشن شد و نظارت دقیق بر آن عملی شد، تعرفه ویزیت نیز باید واقعی شده و با درنظرگرفتن اهمیت و جایگاه آن تعیین شود. در آن شرایط است که جامعه پزشکی می‌تواند به حق واقعی خود دست یابد.

یادداشت

حمید هوشنگی روزنامه‌نگار درگذشت

حمید هوشنگی روزنامه‌نگار، معاون خبر اسبق ایرنا و معاون ستاد تبلیغات جنگ در دوران دفاع مقدس، در ۷۰سالگی درگذشت. هوشنگی که از مرداد ۹۶ با سرطان کبد دست‌وپنجه نرم می‌کرد، سرانجام بامداد پنجشنبه ۱۷ آبان درگذشت. حمید هوشنگی در سال ۱۳۲۷ به دنیا آمد. او فعالیت رسانه‌ای را از سال ۱۳۵۲ در رادیوتلویزیون ایران آغاز کرد، در سال ۵۶ استعفا داد و برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. حوادث منتهی به انقلاب اسلامی ایران باعث شد او به سرعت به ایران بازگردد. هوشنگی بلافاصله پس از بازگشت به کشور، مسئول رپرتاژهای رادیوتلویزیون انقلاب شد. در سال ۵۸ به عنوان رایزن مطبوعاتی ایران به سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن رفت. حمید هوشنگی که تجارب رسانه‌ای فراوانی کسب کرده و به یکی از مجرب‌ترین خبرنگاران زمان خودش تبدیل شده بود، تیرماه سال ۵۹، به دعوت کمال خرازی به خبرگزاری جمهوری اسلامی (پارس) رفت. با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مدیر اخبار خبرگزاری شد و پس از تشکیل شورای عالی دفاع و انتصاب خرازی به عنوان رئیس ستاد تبلیغات جنگ که پایگاه اصلی آن ایرنا بود، هوشنگی معاونت خرازی را در این ستاد پذیرفت.

هوشنگی پس از پایان جنگ تا سال ۷۰ در خبرگزاری مشغول به کار بود و مدتی را هم به عنوان مدیر دفتر ایرنا در لندن سپری کرد. او پس از آن تا سال ۸۹ در دفتر شخصی‌اش در بخش خصوصی فعالیت کرد. هوشنگی که از روزنامه‌نگاران خوشنام و حاذق بود، در دوران حضور در خبرگزاری جمهوری اسلامی، در کنار زنده‌یاد احمد بورقانی آغازگر فصلی تازه و پراهمیت در این سازمان رسانه‌ای شد. دورانی که به‌زعم بسیاری از اهالی رسانه، میان مطبوعات و دیگر نهادهای خبری دوستی و رابطه‌ای عمیق شکل گرفت. حمید هوشنگی همواره در کسوت یک روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای باقی ماند و کوشید در طول زندگی حرفه‌ای خود، استانداردهای کاری را در رسانه‌هایی که در آن به فعالیت مشغول بود، بالا ببرد. او در یکی از گفت‌وگوهایش درباره فعالیت‌هایش در زمان جنگ به جزئیات جالبی اشاره کرده است. از جمله اینکه در تمام طول جنگ، رادیوی بغداد به طور ۲۴ساعته شنود می‌شده و از این طریق توانستند اسم و مشخصات برخی از اسرای ایران را که با رادیوی بغداد گفت‌وگو می‌کردند، دریابند. با دریافت اسامی اسرا و ارسال به هلال احمر و پس از آن صلیب سرخ در واقع از کشته‌شدن و ازبین‌رفتن این اسرا جلوگیری می‌شد. همچنین او درباره برخی فعالیت‌ها در زمان عملیات‌هایی که انجام می‌شد، می‌گفت که تا ساعت سه صبح تمام اطلاعات، تحلیل‌ها و اخبار آن عملیات دسته‌بندی و تهیه و در اختیار فرمانده گذاشته می‌شده است. اما این روزنامه‌نگار شناخته‌شده علاقه زیادی به ایران داشت. به زعم برخی از دست‌اندرکاران مطبوعات در چند ماه اخیر نیز، به تحلیل رفتار غیرحرفه‌ای رسانه‌هایی نظیر بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال پرداخته بود.

امیر هوشنگی برادر زنده‌یاد به خبرنگار ایرنا گفت: «پیکر آن مرحوم در بهشت سکینه در کرج به خاک سپرده می‌شود». وی این توضیح را نیز داد که یکشنبه ۲۰آبان مراسم ختمی در مسجد نور از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۵ برگزار می‌شود.

دور دنیا

صندلی چرخدار ۳۲۰ هزار یورویی

مؤسسه کریستیز این بار حراج وسایل باقی‌مانده از استیون هاوکینگ، دانشمند برتر جهان را برعهده داشت. وسایل فیزیک‌دان برجسته انگلیسی پنجشنبه ۱۸ آبان (هشتم نوامبر) در حراجی کریستیز لندن به فروش رفت.

در این حراجی اولین صندلی چرخدار او به قیمت ۳۲۰ هزار یورو و نخستین نسخه تز دکترای هاوکینگ نیز از سوی خریداری ناشناس به قیمت ۶۷۰ هزار یورو خریداری شد. چندین مدال افتخار نیز به بهای ۳۴۰ هزار یورو فروخته شدند.

یک نسخه از پایان‌نامه او با عنوان «خواص گسترش جهان» که در سال ۱۹۶۶ از سوی دانشگاه کمبریج منتشر شد و جزئیات نظری مربوط به تولد و گسترش جهان و تابش گرانشی را منعکس می‌کرد، نیز حدود ۷۶۵ هزار دلار به فروش رفت. در مجموع این حراجی شامل ۵۲ وسیله بود.

عواید این حراج قرار است در امور خیریه و تحقیقاتی مصرف شوند.

این وسایل با رکوردهایی خیره‌کننده و قیمت‌هایی درخورتوجه فروخته شد. در این حراجی آنلاین وسایل شخصی او با رقم حدودی ۱.۳ میلیون دلار به فروش رفت. هاوکینگ پس از تشخیص بیماری خود، ۵۵ سال با استفاده از صندلی چرخدار زندگی کرد.

مسئولان

حتی پلاستیک هم نیاوردند

ایسنا: تا حدود یک‌سال‌ونیم پیش شیشه‌هایی روی آثار محوطه باستانی جهانی شوش قرار داشت اما با این استدلال که این شیشه‌ها شکسته می‌شوند، مدتی است که این آثار در معرض هوای آزاد قرار دارند. تا اینکه یک دوستدار میراث فرهنگی شوش با آغاز نخستین بارش باران‌های اسیدی در این محوطه باستانی جهانی، اقدام به پوشاندن چند سنگ قبر و ستون دوره عیلامی با پلاستیک کرد. باقر خنیفر می‌گوید: «فقط توانستم برای آثار ستون و سنگ قبرهای دوره عیلامی در «باغ میراث شوش دانیال» پلاستیک تهیه کرده و روی آنها را بپوشانم، اما باید فکری جدی به حال دیگر آثار تاریخی قرارگرفته در محوطه‌های تاریخی شوش کرد، اما متأسفانه به هیچ‌کدام اهمیتی نمی‌دهند. آنها به‌راحتی روی آثار تاریخی گودال حفر می‌کنند و هر چه به دستشان می‌رسد با خود می‌برند، این اتفاق فقط در این محوطه رخ نمی‌دهد، محوطه‌هایی که امروز پر از سوراخ هستند و هیچ دوربین مداربسته‌ای هم در آنها قرار ندارد». اما مسئولان در این میان چه کردند؟ وقتی این دوستدار میراث روی آثار را می‌پوشاند، مسئولان میراثی آمدند، تشویق کردند، عکس یادگاری انداختند، قدری خندیدند و رفتند. این منطقه نیاز به دوربین مداربسته، راهنما و نگهبان، سالن جدید و اسپری نانو برای محافظت از آثار در هوای آزاد دارد.